

# توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیستم  
شماره ۲۳۷ آذر ماه ۱۳۹۸ نوامبر ۲۰۱۹

## خلق کرد با رهبری خائن به کدام سمت می رود؟

حل مسئله کردها در سوریه در دوران امپریالیسم را نباید امری مجزا و منفرد از کل سیاست راهبردی امپریالیسم مورد توجه قرار داد. برعکس باید این پدیده را بطور مشخص به منزله بخشی از کل مبارزه انقلابی ضد امپریالیستی در متن رشد تضادهای موجود در جهان و جبهه مبارزه انقلاب با ضد انقلاب جهانی بررسی کرد. ناسیونال شونیسیم و نادانی سیاسی و کوتاه نظری رهبران کرد در امر تجربه اندوزی از دهها موارد مشابه، کار را به آنجا کشانده است که کردها متاسفانه به پاس این نادانی همواره آلت دست ارتجاع و امپریالیسم و مامور تخریب در مبارزه مشترک انقلابی خلقهای منطقه قرار گرفته اند. ناسیونال شونیسیم تا بدان حدی در میان آنها ریشه می دواند که کردهای سوریه که بخش قابل توجهی از آنان به عنوان پناه آوران و گریختگان از دست قتل عام اتاتورک به سوریه روی آورده و خواستار حمایت از خود شده اند، حال با گذشت زمان ادعای مالکیت خاک سوریه را پیدا کرده اند. دولت سوریه که نخست آنها را به عنوان مهمان و موقتاً پذیرفته بود، از دادن ورقه هویت به آنها که متعلق به کردستان ترکیه بودند به عنوان شهروندان سوریه، خودداری می کرد که این خودداری در اثر گذر زمان به یک معضل اجتماعی بدل شد. فرزندان آنان فاقد ورقه هویت بوده و نمی توانستند تحصیل کنند و از مزایای خدمات... ادامه در صفحه ۲

## دفاع از حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور سوریه یک اقدام ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی است

نمایندگان پارلمان اروپا بر ضد تجاوز ترکیه به کشور مستقل سوریه که تحت عنوان "سرچشمه صلح" صورت گرفته معترض بودند. مرکز سخنان آنان نه دفاع از حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی سوریه، بلکه دفاع از کردها و اعتراض به خیانت به آنان بود. آنها پیشنهاد می کردند خود اروپائی ها به جای آمریکائی ها وارد میدان شوند و به اردوغان دهنه زنند. تا توانستند به اردوغان توهین کردند.

همه همدمستان آمریکا به ترکیه حمله می کنند در حالیکه ترکیه هیچ اقدام جدیدی نکرده است که مورد نفرت باشد، جز اینکه سیاست سابق خود را که تجاوز به سوریه، نقض حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی این کشور بود را ادامه می دهد. آنها در شمال سوریه یک بخش اشغالی دائمی ترکمنها را ایجاد کرده اند. ترکیه داعش را که از اروپا تحویل می گرفت نامشان را در مرزهای خود ثبت می کرد و با سازماندهی تروریستهای اسلامی به مرز سوریه می برد و در آنجا به عمال خود تحویل می داد. بر اساس ادعاهای اروپائی ها تا کنون ۶۰ هزار نفر غیر سوری از ممالک اروپائی و خارجی به سوریه رفته اند و در کنار آن "ارتش آزاد سوریه" اختراع شده که ۸ سال بر ضد ارتش سوریه جنگیده و این کشور را با تیغ ترور به خون کشیده است. این چند ده هزار نفر هر ماهه حقوق دریافت می کرده اند. خدمات درمانی در اختیار آنها بود یا در داخل سوریه در مناطق اشغالی و در موارد وخیم تر در ترکیه و اسرائیل درمان می شدند. آشپزخانه های سیار در اختیار آنها بود بنزین و وسایل نقل و انتقال و قطعات یدکی به موقع به دست آنها می رسید آنها زن پُستی تحت عنوان "جهاد نکاح" دریافت می کردند. اسلحه مرتب به دست آنها می رسید و گلوله های آنها تمامی نداشت. در زیر شهرها با وسایل مدرن تونل می ساختند که سیمان مود نیاز آن توسط یک کارخانه فرانسوی در داخل خاک سوریه تولید می شد. تمام ناتو به انضمام اسرائیل، عربستان سعودی، قطر بطور مستقیم و ممالکی نظیر مصر و امارات متحده عربی و بحرین به صورت غیر مستقیم در این شبکه ترور و تقویت آنها دست داشتند. این شبکه ترور داعش که با یاری آمریکا تسلط ماهرانه ای به شبکه مجازی داشت و تصاویر منجر کننده خود را به صورت ویدئو و به صورت تبلیغاتی و تهییجی، وسیعاً پخش می کرد، از تعقیب مصون بود و کسی جلوی آنها را نمی گرفت. ماهواره های آمریکا و هواپیماهای آواکس ناتو کنترل می کردند تا حکومت قانونی بشار اسد را سرنگون کنند. آنها نخست با بهار عربی تلاش کردند با اعزام تک تیرانداز به سوریه و تقویت اسلامیستها، آنها را برضد دیکتاتوری بشار اسد و شیعیان و خانواده شیعه آنها که بر سنی ها تسلط دارد بشورانند. همه تبلیغات رسانه های گروهی غرب در تائید این مسئله بود که یک خانواده شیعه به یک کشور سنی به عنوان الیگارشی مالی حکومت می کند و مردم بر ضد آنها قیام کرده اند. در آغاز کار، به نمایشات مسالمت آمیز اجازه برگزاری داده شد. ولی وقتی به سمت نظامیان و ماموران نظم تیراندازی گشت و بمب گذاری گردید، ارتش سوریه به سرکوب تروریستها متوسل شد. خلق سوریه فوراً مسایل را درک کرد. بخش سالم اپوزیسیون در دفاع از منافع میهنش سوریه به حمایت از بشار اسد پرداخت و تروریستها و عمال خریده شده، به اپوزیسیون تروریست پیوستند و در میان مردم سوریه منفرد شدند. امپریالیسم که تصور می کرد در عرض یک هفته کار اسد را می سازد با هوچی بازی "حقوق بشر" و "دموکراسی" با پرتاب بمب شیمیائی و کشتار مردم عادی و پرونده سازی نتوانست اراده ملت سوریه را برهم زند. خلق سوریه در درجه اول تصمیم به مقاومت گرفت. پشتیبانی لبنان و ایران و سرانجام روسیه آنها هم پس از مقاومت مردم سوریه که به میدان آمدند و در مقابل ارتش متجاوز خارجی جنگیدند، نقش مهمی در این پیروزی ایفاء کرد. امروز شکست تجاوزکاران ناتو روشن است. آنها حتی داعش را با رضایت کردهای عراق به سوی بغداد گسیل داشتند تا به مقاصد بعدی خود برسند ولی شکست آنها دیگر روشن بود. سوریه را از اتحادیه کشورهای عربی اخراج کردند. در حالیکه دولت سوریه بر مسند قدرت نشسته بود، در حالیکه اکثر ممالک دنیا کشور سوریه را به رسمیت می شناختند، علیرغم اینکه نماینده رسمی دولت سوریه در سازمان ملل نشسته بود و دسیسه های امپریالیستها را فاش می کرد، رسانه های غربی سخنان وی را نقل نمی کردند و تحریم اخبار ایجاد کرده و دروغبارانی را مجاز شمرده بودند. با پافشاری مردم سوریه، ایران، لبنان و روسیه، دسیسه امپریالیسم در سوریه نقش بر آب شد و ادامه و کنترل وضع موجود دیگر مقدور نبود. حتی ورود غیر قانونی سربازان آمریکائی و نقض حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی سوریه نیز نتوانست تأثیری در پیروزی این سیاست تجاوزکارانه ایجاد کند. غرب در سوریه شکست خورد. شکست غرب و برهم زدن تعادل منطقه وضعیتی را ایجاد کرده که محیط سیاسی آسیب پذیری را در ترکیه آفریده است. تثبیت سوریه به ضرر اسرائیل و به نفع

...ادامه در صفحه ۳

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران به پیوندید

**خلق کرد با رهبری خائن...**

دولتی برخوردار گردند. بر این اساس، از پناهندگان کرد مهاجر از ترکیه و ساکن سوریه خواست که هویت سوری را بپذیرند و در سوریه ساکن شوند. و آنها نیز پذیرفتند. حال حساب کردهای سنتی ساکن سوریه را با این کردهای مهمان از راه رسیده که اکنون در واقع اتباع سوریه هستند، یکی کردن، جعل تاریخ پیدایش کردها در سوریه بوده و ماهیت ناسیونال شونیستی این حرکت تجزیه طلبانه را نشان می‌دهد.

وقتی تجاوز امپریالیسم و عمالش در منطقه برای نقض حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی سوریه برای "بنای خاورمیانه بزرگ" آغاز شد و ۶۰ هزار نفر داعشی را از سراسر جهان برای تجزیه سوریه اعزام کردند، به تدریج آشکار شد که برخلاف رنگ جلای دموکراتیک و ضد امپریالیستی مقاومت اولیه، کردهای سوریه در زیر نقاب "کوبانه" (عین العرب)، آنها دانسته یا نادانسته به بازیگری در دست امپریالیسم آمریکا بدل شدند. بر اساس مدارکی که منتشر شده‌اند، آقای اوباما رئیس جمهور وقت آمریکا، برای مقابله با اعمال نفوذ فرانسوی‌ها در سوریه که در پی بهره‌برداری و نفوذ تاریخی استعماری خویش بودند، به فرانسوا هولان رئیس جمهور وقت فرانسه چنان فشاری وارد کرد که وی ناچار شد تنها با هیات نمایندگی کردهای حامی آمریکا مشهور به "کوبانه" ملاقات کند که در ۱۷ مارس سال ۲۰۱۶، یعنی سالها بعد از تجاوز امپریالیستها به سوریه تشکیل شده بودند و هدفشان نه مبارزه با داعش و نه مبارزه برای حفظ تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی سوریه بود. آنها تنها می‌خواستند بخش کردستان سوریه و یا آن بخشهایی از خاک سوریه را که متعلق به خود قلمداد می‌کردند و می‌کنند که در واقع عرب‌نشین و یا آسوری‌نشین و ترک‌نشین بود

۱ - در رقابت با ترکیه در بعد از جنگ اول جهانی، دولت فرانسه به پشتیبانی از "حزب خوبون" و قیام شیخ سعید پیران در سال ۱۹۲۵ بر ضد دولت ترکیه پرداخت و این باعث شد که سوریه به مامن و پناهگاه کردهای فراری از ترکیه بدل شود. سرزمین اصلی بخشی از کردهای ساکن سوریه در ترکیه است و نه در سوریه.

۲- بی بی سی تحت عنوان: "روژاوا؛ همه آنچه باید بدانیم" به تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۱۹ میلادی برابر ۲۶ مهر ۱۳۹۸ شمسی اطلاع داد:

"این سه منطقه فدرال بعدها در شکل مدیریتی آنجا به عنوان "کانتون" شناخته شد و تبدیل به شش کانتون حسکه، قامشلو، تل ابیض (گری سپی) و عفرین، کوبانی و شهبای شد.

بسیاری از ساکنان این مناطق کُرد نیستند و حتی کردها در آن اکثریت را ندارند اما سیستم اداره شورایی این مناطق بر مبنای شیوه‌ای است که ابتدا در مناطق "روژاوا" ایجاد شد."

را از تجاوز بیگانگان مصون دارند و کردستان مستقل و جدا از سوریه خویش را علم کنند. آنها از همان بدو امر حساب خود را از سایر خلقها و از جمله خلق عرب جدا کردند. مبارزه آنها با داعش مبارزه برای آزادی سوریه نبود، مبارزه برای جدائی از سوریه و دفاع از مناطق سکونت خود بود. داعش را نه آنطور که جار زده می‌شود، "کوبانه"، بلکه داوطلبان ایرانی، لبنانی و ارتش سوریه و سرانجام حضور روسیه شکست داد.

در همان موقع هواداران نظریه "جبهه سوم" که ما مشابه‌ها آنها را در ایران نیز داریم، با شعار "نه به اسد و نه به ترکیه" و نه به "ارتش آزاد سوریه"، به میدان آمده و شعار ایجاد "جبهه سوم" و تاسیس حکومت شورائی در کردستان را به میان کشیدند که از همان ابتداء همدستان آمریکا بودند و رهبر کبیرشان صالح مسلم با رهبران ناتو به صورت مخفی در پراگ ملاقاتهایی داشت که اسناد آن دیگر برملا شده و قابل حاشا نیست. "جبهه سوم" همانگونه که در ایران هم خودش را نشان داد چیزی جز ستون پنجم امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم در منطقه نیست. امپریالیستهای مودی برای اینکه کمی رنگ و روغن "چپ" به این حرکت بزنند، چون مطلوب‌تر می‌نماید، دست به کار شدند و از طریق یک گروه "مارکسیست لنینیستی" (ام.ال.پ.د.) در آلمان، گروهی از آلمانخواهان آلمانی را که مسحور ظاهر فریبنده "کوبانه" و تبلیغات گسترده ویدیویی و فتوشاپی رسانه‌های امپریالیستی شده بودند، برای کمک به "انقلاب" آنها به کردستان سوریه اعزام داشتند.

دولت فرانسه نیز تسهیلاتی فراهم آورد تا آنارشیهستهای فرانسوی به باور دفاع از آرمان کردهای سوریه عازم کردستان سوریه شوند. بیش از صد نفر فرانسوی "چپ" با تسلیحات فرانسوی و آمریکائی در کنار امپریالیسم آمریکا برای "رهائی خلق کرد" عازم جبهه شده و برای کردها و بطور عینی برای تقویت مواضع استراتژیک امپریالیسم جنگیدند. این آنارشیهستهای ساده لوح با دید غیرطبقائی و هومانیهستی به دفاع از آرمان کردها باورداشتند، در حالی که کردها برای پیمان آتلانتیک مبارزه می‌کردند. این "جبهه سوم" کردهای خود مختار سوریه به تدریج به مبارزه با اسد یعنی دولت قانونی سوریه پرداخت و با نقض تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی سوریه به دامن امپریالیسم آمریکا پناه برد و با "نیروی دموکراتیک سوریه" که طیفی از اعراب مزدور و پنتاگونی هستند دست اتحاد

۳- «Les Brigades anarchistes de l'Otan», par Thierry Meyssan, Réseau Voltaire, 12 septembre 2017

ترجمه فارسی متن: «بریگادهای آنارشیهست در خدمت ناتو» نوشته‌ی تیری میسان. شبکه ولتر، ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۷ برگردان از آقای محوی.

داد. این کردستان ساختگی در سوریه مانند همه کردستانهای ساختگی، روابط حسنه‌ای با اسرائیل برقرار کرد، بطوریکه در زمان شکست مفتضحانه‌اش دست به دامن صهیونیسم اسرائیل شد. در حالیکه فلسطینی‌ها با سنگ به استقبال صهیونیستهای اشغالگر اسرائیلی می‌روند، کردهای ناسیونال شونیست از حضور آمریکا در سوریه با هلله استقبال کرده ولی با سنگ به بدرقه قوای اشغالگر آمریکا که مشغول ترک خاک سوریه است می‌روند!!؟؟

پایگاه خبری تحلیلی نامه نیوز (namehnews.com) نوشت: "مقامات کردستان سوریه از اسرائیل در برابر ترکیه تقاضای کمک می‌کنند. عضو نیروهای دموکراتیک سوریه با یادآوری آزار و اذیت یهودیان در قرون گذشته، ابراز اطمینان می‌کند که مردم یهودی از گرفتاری کردها غافل نخواهند شد و باوجود تجربه مشابه، از آنها حمایت خواهند کرد!

یک مقام در نیروهای دموکراتیک سوریه روز دوشنبه از اسرائیل خواست تا علیه حمله نظامی ارتش ترکیه به شمال سوریه اقدامی کند. یک مقام اسرائیلی که اصرار داشت نامش فاش نشود به تایمز اسرائیل گفته است که: یهودیان از گرفتاری کردها در شمال سوریه غافل نشوند و از تاریخ آزار و اذیت خود برای تهییج مردم یهودی اسرائیل به‌منظور کمک به روژاوا استفاده کنند و این خواسته مقامات رسمی کردستان سوریه از ماست.

این مقام اسرائیل در یک پیام نوشتاری به "تایمز اسرائیل" گفت: "دولت اسرائیل باید برای پایان دادن به این جنگ که باعث کشته شدن زنان و کودکان و بیرون راندن غیرنظامیان از خانه‌هایشان می‌شود، تلاش کند."

این سرنوشت غم‌انگیز کردهای ناسیونال شونیست با کمی چاشنی عوام‌فریبانه "چپ" و "شورائی" است که رهبری خود را به دست رهبرانی خودفروخته و ناسالم داده‌اند.

این عده وقتی کشور مستقل سوریه مورد تهاجم ارتجاع جهانی قرار گرفت، حاضر نشدند و حاضر نبودند از تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی سوریه که یک کشور مستقل و عضو جامعه جهانی بود، حمایت کنند. برای آنها تجاوز به سوریه زمانی آغاز شد که "عفرین" و نه سوریه مورد تجاوز قرار گرفت. آنها حاضر شدند بدون شرمساری در کنار ارتش اشغالگر آمریکا قرا بگیرند و به اشغال سوریه - چون منافع این گروه‌ها را تأمین می‌کرد- صحنه بگذارند. برای آنها بلندی‌های جولان که در تصرف صهیونیسم است، اشغال نیست، حضور غیرقانونی آمریکا در سوریه که نفت سوریه را در مناطق عرب‌نشین اشغالی می‌دزدد اشغالگر نیست، ولی تجاوز وحشیانه ترکیه به سوریه محکوم است آنهم به آن خاطر که به مناطق کردنشین تجاوز کرده است. منطبق کردهای ناسیونال شونیست منطق فقط "گلبم خودم را ... ادامه در صفحه ۳"

**خلق کرد با رهبری خائن...**

اول از آب بکشم" است. برای آنها مهم نیست که سرنوشت سوریه چه می‌شود. آیا شرم آور نیست که وقتی ۵۰ سرباز آمریکایی خاک سوریه را ترک می‌کنند کردهای ناسیونال شونیست به خیابانها آمده به آنها سنگ پرتاب کرده و خواهان آن شوند که به کردها خیانت نکرده به اشغال سوریه برای توجه به منافع کردها ادامه دهند و منافع مردم سوریه را در پای عظمت ناسیونال شونیسم کرد قربانی نمایند؟ به بخشی از نقل قولهای زیر که از جانب گروه‌های گرد و چپ نما منتشر شده‌اند توجه کنید که روح گفتارشان محکومیت تجاوز ترکیه به مناطق کردنشین و نه کشور مستقل سوریه است و خشمگین‌اند که چرا آمریکا آنها را تنها گذارده و اروپا با ریاکاری ارتشی برای حمایت از آنها نمی‌فرستد.

در مقاله زیر خشم ضد آمریکایی تنها به این علت که کردها را رها کرده است به چشم می‌خورد و برای این "انقلابیون"، اشغال سوریه توسط امپریالیسم آمریکا ارزش بحث ندارد. هر جا پای ناسیونال شونیسم کرد مطرح باشد می‌شود به هر خیانتی تن در داد:

"جنبش روزناوا در معرض طوفان قدرتهای امپریالیستی پنجشنبه ۲ آبان ۱۳۹۸" (مندرچ در سایت حزب کمونیست ایران که یک جریان کردی است-توفان)

"ده روز است مردم مبارز کردستان سوریه قهرمانانه در جنگی نابرابر در مقابل هجوم وحشیانه نظامی دولت ترکیه... مقاومت می‌کنند و از زندگی و دستاوردهای مبارزه خود به دفاع برخاسته‌اند. حقانیت مبارزه و مقاومت مردم روزناوا به ویژه با توجه به سابقه مقاومت حماسی کوبانی و عفرین...، موجب جلب حمایت افکار عمومی توده‌های مردم آزادیخواه در سطح جهانی به سوی خود شده است. البته این اعتراض و حمایتها بخشاً نیز ابراز تنفر و انزجار از عملکرد و سیاستهای قدرتهای جهانی به ویژه آمریکا در قبال مقاومت حق‌طلبانه توده‌های مردم کردستان سوریه است."

در آنجا که اتحادیه کشورهای عربی تجاوز ترکیه به سوریه را محکوم کرده است نوشتند: "... و دیگری از زاویه احساسات ناسیونالیستی به خاطر تعرض به خاک یک کشور اُمت عربی، لشکر کشی و راه انداختن جنگ از جانب ترکیه و چراغ سبز آمریکا برای ترکیه را محکوم نمودند." آنها از این ناراحتند که چرا در موضعگیری اتحادیه کشورهای عربی، تجاوز ترکیه به سوریه محکوم شده و نه تجاوز ترکیه "به مناطق کردستان" سوریه. و به این ترتیب اگر همه سوریه با خاک یکسان شود ولی مناطق کردنشین صدمه نبینند لزومی به محکومیت تجاوز احساس نمی‌شود.

حال در جای دیگر:

"بخش زیادی از نمایندگان و سناتورهای

آمریکا حتی از حزب جمهوری خواه البته به خاطر شکست سیاستهای ترامپ و خارج ساختن نیروهایش از منطقه خواهان استیضاح او شده‌اند. این اوضاع دولت ترامپ را با سرگشتگی و تناقض گویی‌های بسیار واداشت و منجر به یک بحران حکومتی شد." در اینجا منظور این آقایان حمله به ترامپ است که چرا کردها را تنها گذاشته است و حتی اشاره می‌کنند که همه آمریکایی‌ها با این کار موافق نیستند و هوادار کردها بوده و ممکن است دوباره به "پاری" کردها بیایند.

و یا: "روسیه و آمریکا به عنوان دو قدرت امپریالیستی در رقابت با هم در تلاشند تا از برپایی این جنگ جنایت کارانه علیه مردم کردستان سوریه، به سود خود و پیشبرد سیاستهایشان بهره گیرند."

در اینجا هم شاهدیم که برای آنها دفاع از مسئله حق حاکمیت ملی کشور سوریه مطرح نیست و مبارزه دولت قانونی سوریه را که مورد حمایت قریب به اتفاق مردم سوریه است را جنگ میان دو قدرت امپریالیستی جا می‌زند و سکوت می‌کند که کردها خودشان در آغوش یکی از این قدرتهای امپریالیستی قرار داشتند و دارند.

حال به سند دیگری مراجعه کنیم که ما اُلب مطلب نظر آنها را که سراپا انحراف است بیان می‌کنیم:

**اطلاعیه مشترک نیروهای چپ و کمونیست ۱۰ اکتبر ۲۰۱۹**

"تجاوز ارتش ترکیه به مناطق کردنشین شمال سوریه"  
"عملیات توسعه طلبانه ... در خاک کردستان سوریه"

و یا در سند زیر همدستی آمریکا با کردها را نیاز مشترک دوگانه طرح می‌کند که قیاحتی به علت اشغال سوریه در آن نمی‌بیند:

"اگر پای نیروئی مانند ارتش آمریکا به هر دلیل به این منطقه باز شده است و نیازی مشترک، این دو نیرو را بطور موقت در یک جبهه قرار داده است، توده های مردم را می بایست برای روبرو شدن با عواقب آتی چنین اتحاد عملی آشنا و آماده کرد". (تکیه از توفان). و در عبارت بعدی نشان می‌دهد که هنوز از آمریکا انتظار یاری دارد و به گلایه از آنها مشغول است که ترکیه را به "کوبانه" ترجیح داده‌اند:

"در شرایطی که دولت آمریکا برای تامین منافع خود همراهی با دولت ترکیه را بر حمایت از مردم روزاوا ترجیح می دهد، در شرایطی که دولتهای اروپائی تنها به اظهار نظرهای ریاکارانه بدون هیچ بازتاب عملی اکتفا می کنند" (اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له در محکوم کردن حمله ارتش ترکیه به کردستان سوریه (روزاوا) هفدهم مهرماه ۱۳۹۸).

تجربه آزموده خیانت رهبران کرد کردستان

عراق و ایران را رهبران کرد سوریه نیز تکرار کردند و هنوز نیز از خیانت خود به خلق گُرد یاد نگرفته‌اند و در پی جلب رضایت صهیونیسم و امپریالیسم در منطقه برای ایجاد "کردستان بزرگ" به مثابه اسرائیل دوم هستند. راه رهائی خلق کرد از ستم ملی در هر کشور معین تنها از همکاری و وحدت مبارزه با سایر خلقهای آن کشورها در حزب واحد طبقه کارگر، در جبهه واحد خلق، در سازمانهای مشترک سیاسی و حرفه‌ای غیرقومی برای سرنگونی ارتجاع حاکم و در ایرن رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و بر متن مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی می‌گذرد. بدون این مضمون انقلابی برای بنیان کشوری دموکراتیک، آزاد و متکی بر نیروی اکثریت زحمتکش مردم، امکان پیروزی خلق کرد و یا سایر خلقها ایران و یا سوریه و... مقدور نیست. چشم داشت به امپریالیسم و صهیونیسم و همدستی با آنها برای تحریم ایران و یا سوریه، تجاوز به ایران و یا سوریه خیانت به خلقهای منطقه و خیانت به خود کردهاست. باید مبارزه کرد تا در منطقه اسرائیل دومی به وجود نیاید. همین یکی نیز زیادی است.

\*\*\*\*

**دفاع از حق حاکمیت ملی...**

محور ایران- سوریه- لبنان- فلسطین است. این است که مسئله سرنوشت گُردها به بازپچه دست امپریالیستها و به ویژه اسرائیل قرار گرفته تا منطقه را متشنج نگهدارند. آمریکا به صراحت اعلام کرد که هدفش از رفتن به سوریه مصادره چاههای نفت بوده است و خروجش از سوریه نیز در امنیت چاههای نفتی سوریه به نفع آمریکا تغییری ایجاد نمی کند. از این وضعیت ترکیه، عربستان سعودی، قطر و اروپا به شدت صدمه دیده اند و خسارت ناشی از این تجاوز را باید تحمل کنند. مهاجرت میلیونها مهاجر به اروپا و سکونت آنها در ترکیه و تقویت تروریسم در اروپا، وضعیت آنها را متزلزل کرده و تضادها را تشدید نموده است. این مسایل باعث شده تا پارلمان اروپا در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۹ مسئله حضور نظامی ناتو را در سوریه مطرح کند تا این شکست راهبردی را جبران نماید. آنها به ترکیه که عضو ناتو هست به عنوان بزرگترین ارتش اروپا و گوشت دم توپ برای ایستادگی در مقابل هجوم احتمالی روسیه به اروپا به حساب می‌آید، نیاز دارند. سیاست سنتی اروپا مبتی بر نان قندی و شلاق نسبت به ترکیه، با شکست کامل روبرو شده است و آنها شاهدند که نزدیکی روسیه و ترکیه، جناح نظامی جنوب شرقی ناتو را مضمحل کرده و منظره سیاسی منطقه را برهم زده است. اروپای "برتر" از طرفی خواهان حفظ ترکیه به عنوان دیوار گوشتی است و از... ادامه در صفحه ۴

**امپریالیسم آمریکا تروریست، متجاوز، جاسوس، زورگو، حیل‌گر، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است**

**دفاع از حق حاکمیت ملی...**

طرف دیگر می خواهد با نفوذ در میان کردها و آموزش نظامی آنها استخوان لای زخمی برای اعمال نفوذهای سیاسی در منطقه ایجاد کرده و اسرائیل را تقویت کند. این سیاست یک بام و دو هوا با مشکل روبرو شده و به بن بست رسیده است. به این جهت علت خشم نمایندگان پارلمان اروپا روشن است و تلاش می کنند راهی پیدا کنند تا نیروی

نظامی به سوریه ارسال دارند که صد البته بهانه آنها حمایت از "حقوق بشر" و "کردهای مظلوم" است. ترکیه به بهانه حفظ امنیت مرزهای جنوبی خود به تجاوز به سوریه پرداخته است و می خواهد یک نوار حفاظتی با نقض روشن حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی سوریه در شمال سوریه ایجاد کند و در این رابطه به سرکوب کردها که از آمریکا دستور می گیرند پرداخته است. این سیاست ترکیه، آنها را به رقیب روسی اروپائیها نزدیک می کند و تمام معادلات منطقه را بر هم می زند. اروپا می خواهد با اعزام ارتش به شمال سوریه به بازیگر روشنی در منطقه بدل شود این است که از گلوی نمایندگان اروپا فریادهای خشم شنیده شده و خون از دهانشان جاری می شود. همه آنها یک صدا تجاوز ترکیه به سوریه را محکوم می کنند. تکیه خود را در این بحثها بر مظلوم نمائی کردها می گذارند که به عنوان متحد پروپا قرص امپریالیستها مورد خیانت قرار گرفته اند و آمریکا با این عهد شکنی آبروی غرب را از بین برده و اعتماد دنیا را به غرب خدشه دار کرده است. حقیقتا بی شرمی از این بیشتر نمی شود.

نخست اینکه همین نمایندگان غارتگر و عمال استعمار فراموش کرده اند که آمریکا علیرغم تأیید توافقنامه اتمی با ایران به زیر امضای خود زد و عهد شکنی نمود. این عهد شکنی قبل از سیاست آنها در به دور انداختن کردها صورت گرفت. آمریکا هرگز تعهدی به کردها نداده بود جز اینکه در سوریه از منافع خودش دفاع کرده و هر وقت منافعی اقتضاء کرد آنجا را ترک خواهد کرد. توافقنامه مکتوبی با کردها وجود نداشته و در آینده نیز وجود نخواهد داشت. آمریکا توافقنامه پاریس در مورد محیط زیست را ۲۴ ساعت بعد از پذیرش به دور انداخت و این نیز قبل از به دور انداختن کردها بود. در پارلمان اروپا هوچی بازی و عوامفریبی جای یک بحث منطقی را گرفته است. عجب پارلمان دموکراتی!!!

پارلمان اروپا هم اکنون هم که از تجاوز ترکیه صحبت می کند حاضر نیست حق دولت سوریه را نسبت به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی اش به رسمیت بشناسد. آنها می خواهند خودشان به سوریه - علیرغم مخالفت دولت قانونی سوریه، نیروی نظامی بفرستند و آنوقت در کمال بی شرمی از تجاوز ترکیه و نقض حقوق ملل صحبت می کنند. نقض حقوق ملل، نقض حقوق بشر، نقض دموکراسی، مبارزه با دیکتاتوری

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>

INTERNATIONAL CONFERENCE OF MARXIST-LENINIST PARTIES AND ORGANIZATIONS



همه و همه ابزار عوامفریبی هستند که امپریالیستها توسط رسانه های گروهی خود با تحمیل مردم به کار می گیرند تا منافع استعماری خویش را تامین کنند. هیچگاه دل امپریالیستها برای حقوق بشر و دموکراسی و یا حقوق ملل و... نسوخته است، دل آنها برای مواد اولیه قبل از همه بازار فروش و دستمزد ناچیز و سود حداکثر می سوزد. بحث ما در اینجا تنها بیان سیر رخدادها نیست. ولی بیان این واقعیات برای درک مسایل اهمیت دارد.

ما بارها گفته و مجددا بیان می کنیم که سیاست کمونیستها این است که از حق حاکمیت ملی همه کشورها و تمامیت ارضی آنها در شرایط حاکم در جهان باید دفاع کنند. این آن حلقه ضعیفی است که استعمارگران تلاش دارند آنرا به نفع خود بشکنند. آنها برای نقض حق حاکمیت ملی سوریه و یا هر کشور دیگر فوراً مسئله وجود استبداد و نظام تک حزبی بعث و حکومت اقلیت شیعه بر اکثریت سنی را بهانه می کنند و این در حالی است که متحدان امپریالیستها دارای حکومت های استبدادی بوده و یا از نظر مذهبی "پرستانهای اقلیت" به "کاتولیک های اکثریت" حکومت کرده نوکری بریتانیا را پذیرفته اند. در اسپانیا اقلیت کاتولونی سرکوب می شود. در لهستان قوه قضائیه را اخته کرده اند تا دیکتاتوری مذهبی کاتولیکی را مستقر سازند و با پشتیبانی آمریکا در مقابل اروپا سنگ بیندازند و... امپریالیسم در مقابل این تناقضات گک اش هم نمی گزد و لازم نمی بیند تا به مردم این تناقض سیاستهای خویش را در قبال سوریه، ایران، لبنان، فلسطین و... توضیح دهد. مسئله وجود دیکتاتوری و عدم دموکراسی در این کشورها هرگز نمی تواند و نباید توجیهی برای تجاوز به کشورها باشد. کمونیستها باید همانقدر از حق حاکمیت سوریه دفاع کنند که از حق حاکمیت ایران و یا عربستان سعودی دفاع می کنند. هیچ کشوری حق ندارد به بهانه اختلافات مذهبی، قومی، فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی به کشور دیگر تجاوز نماید. به رسمیت شناختن حقوق ملل که همان حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی است یک اصل تخطی ناپذیر است که مورد تأیید و دفاع کمونیستها است. اینکه بسیاری از این دولتهای حاکم فاسد، دزد، مستبد و مرتجع هستند، مربوط به خود همان ملتهاست تا به تغییر دولتهای خویش بپردازند. سرنوشت هر

کشوری به دست مردم همان کشور تعیین می شود نه به دست اجانب، تجاوزکاران و کودتاچیان. مسایل درونی غیربهبینه یک کشور را نمی شود بهانه کرد تا در امور داخلی کشورها دخالت نمود. تازه در اتخاذ همین سیاست توسعه طلبانه نیز استعمارگران غرب زحمت تظاهر به صداقت را به خود نمی دهند. نمی شود به تجاوز ترکیه به سوریه که مسلماً

نقض روشن حقوق ملل است، اعتراض کرده آنرا محکوم نمود، ولی اشغال سوریه توسط سربازان آمریکائی را که بدون موافقت دولت قانونی سوریه وارد این کشور شده و به تجزیه کشور دست زده، منابع ملی اش را دزدیده اند سکوت اختیار کرد. طبیعتاً تجاوز ترکیه با تجاوز آمریکا به سوریه فرقی ندارد، ولی نمایندگان پارلمان اروپا تجاوز ترکیه به سوریه را در لایه ای از مظلوم نمائی کردها پیچیده و به خیانت و عهدشکنی آمریکا نسبت داده و محکوم می کنند ولی در مورد اشغال سوریه توسط آمریکا تا به امروز لب از لب نگشوده اند. در حالیکه عهد شکنی آمریکا در اینجا یعنی عدم آمادگی و عدم تمایل به ادامه اشغال سوریه - که اگر درست باشد - نمی تواند اقدامی مورد نکوهش بوده و طبیعتاً قابل انتقاد نیست. این خوب است که آمریکای اشغالگر خاک سوریه را بعد از شکست ترک می کند. فقط عمال امپریالیسم و خودفروخته ها موافق اقامت دائمی اشغالگران در خاک سوریه هستند. ما از خود می پرسیم چه فرقی میان تجاوز ترکیه و ناتو به سوریه - در عرض هشت سال گذشته - با تجاوز امروز ترکیه به سوریه بوده است؟ از نظر ما فرقی نیست. ما می پرسیم چه تفاوتی میان تجاوز اسرائیل به سوریه و اشغال بلندیهای جولان توسط آنها و تجاوز ترکیه و ناتو به سوریه وجود دارد؟ به نظر ما فرقی ندارد. پس می بینیم که امپریالیستها و استعمارگران و همدستان بومی آنها از یک موضع اصولی حرکت نمی کنند. آنها حقوق ملل و جنایت، اشغال و تجاوز را بر اساس منافع خود تفسیر کرده و ارزش گذاری می نمایند.

این تجارب نشان می دهند که همه نیروهای انقلابی و نه تنها کمونیستها باید به مخالفت با نقض حقوق ملل، نقض حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها صرف نظر از نوع حکومت آنها برخیزند. هر کس و هر گروه و یا سازمانی که برای نوکری آمریکا به نقض حقوق ملل در سوریه تن در دهد و استدلالات استعمارگران را بپذیرد و از آن خود کند و مرتب نسخوار نماید تا کشتار داعش و ناتو را در سوریه توجیه کند، عملاً بلندگو و همدست امپریالیسم است. همه گروه ها و سازمانهای ایرانی که پشت سر داعش و "ارتش آزاد سوریه" (جالب این است که حالا آنها را به عنوان متحد ترکیه تروریست می خوانند) سینه می زدند و خواهان... ادامه در صفحه ۵

**دفاع از حق حاکمیت ملی...**

سرنگونی حکومت مشروع و قانونی بشار اسد بودند و وجدانشان از "استبداد اسد" معذب بود، همه و همه با آگاهی و یا با نادانی کامل همدست امپریالیسم‌اند و همان کسانی هستند که با طبیعی جلوه دادن این تبلیغات خواهان تجاوز آمریکا به ایران، نقض حاکمیت ملی ایران و تمامیت ارضی کشور ما و اشغال ایران هستند. هیچکدام از این خودفروخته‌ها به اشغال سوریه توسط ارتش اشغالگر و متجاوز آمریکا اعتراضی ندارند تنها به خلف وعده آمریکا و بی‌اعتمادی که نسبت به آنها؟! وجود آمده است اشاره می‌کند. انتقاد آنها به ترامپ این است که چرا با نقض حق حاکمیت و تمامیت سوریه و خیانت به خلقهای منطقه به حمایت از کردهای تجزیه طلب و همدست اسرائیل ادامه نداده است. نگذاریم این سازمانهای خودفروخته با زدن نقاب مخالفت با "استبداد" و "فساد" فجایع وحشتناکتری را با حضور آمریکا و اروپا و داعش در ایران توجیه نمایند.

\*\*\*\*

**مبارزات مردم لبنان، ...**

امپریالیستی مبتنی بود و دولت نیز با حمایت بی‌چون و چرا از بخش بانکداری و مستغلات خصوصی مجری اوامر بانک جهانی بود و هست یکی از علل این وضعیت ناهنجار است. دلایل دیگر از جمله چنین‌اند: تولیدات صنعتی بویژه در بخش کشاورزی به‌ورشکستگی کشیده شده و لبنان بر اساس سیاست مصرف و اخذ پول از خارج و بدون هیچ‌گونه تولیدی به- بقاء خود ادامه داده و جامعه را در بحران فرو کشانده است. این سیاست بر مسئله دستمزدها، اشتغال، مسکن، بیمه بیکاری و اجتماعی، مالیات و بازنشستگی ... تأثیرات مخربی گذاشته‌اند. بیش از ۵۲ درصد از بودجه دولت فقط برای پرداخت سود بدهی‌ها پرداخت می-گردد. چند خانوار ثروتمند لبنان، تقریباً ۲۵٪ از کل درآمد مالی را بدست می‌آورند. درحالیکه ۵۰٪ جمعیت لبنان تنها ۱۰٪ از درآمد ملی را کسب می‌کنند. آمار منتشره نشان می‌دهد بین سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ میلیاردی درهای لبنانی بطور متوسط صاحب حدود ۲۴٪ درآمد ملی‌اند (این رقم برای چین ۳٪، فرانسه ۶٪ و آمریکا ۱۲٪ است) که نشان‌دهنده تمرکز ثروت در دست یک طبقه خاص در لبنان و نابرابری شدید در این کشور است و این مساله لبنان را جزء نابرابرترین کشورها در جهان قرار داده است. لبنان جدا از ساختار طائفه‌ای، از ساختار اجتماعی دوگانه هم رنج می‌برد. یک گروه ثروتمند هم‌رده ثروتمندان پردرآمدترین کشورهای جهان و یک توده گسترده فقیر. در کنار این زمینه اجتماعی ما در لبنان و عراق با ساختار روئانی این ممالک نیز روبرو هستیم. در برهه‌ای از زمان که منافع امپریالیستها برای تضمین امنیت و ثبات خویش ایجاب می-کرد، شیوه حکومتی طایفگی و دینی را توصیه می‌کردند و به همین جهت "پال برمر" حاکم

خویش نیز جلوه دهد. ولی این دولت آقای حریری خود بزرگترین مفسد لبنان از سال ۱۹۹۲ میلادی تا الان است. فقط نخست وزیر اسبق لبنان فؤاد سنوره (وی از ژوئن ۲۰۰۵ تا مه ۲۰۰۸ نخست وزیر لبنان بود) که ۱۱ میلیارد دلار اختلاس کرده بود و باید مورد مواخذه دادگاهها قرار می‌گرفت با پشتیبانی استعمار فرانسه، آمریکا و عربستان سعودی از این مخمصه نجات یافت زیرا این محاکمه حمل بر پیروزی یک طایفه بر طایفه دیگر تلقی شده و موجبات افزایش نفوذ رقبا را فراهم می‌آورد. آقای نجیب میقاتی (از ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱ تا ۱۵ فوریه ۲۰۱۴) نخست وزیر اسبق، خودش و پسرش حدود چهار میلیارد دلار اختلاس کرده- اند و دادستان کل درخواست محاکمه ایشان را کرد، ولی رئیس قوه قضائیه که همدست آمریکا و سعودی است جلوی ایشان را در انجام وظایفش گرفت و می‌خواست دادستان کل را حتی برکنار کند ولی مجبور شد تنها توییح اداری به وی بدهد. خواست استعفاء آقای حریری از سوی برخی محافل داخلی لبنان از جمله "سمیر جعجع" رهبر حزب "نیروهای لبنانی" و "ولید جنبلاط" رهبر حزب سوسیال ترقیخواه که هر دو به عربستان سعودی نزدیک هستند، نیز قابل توجه است. این جناح دست راستی مشهور به گروه سمیر جعجع نیروئی است که در سال ۱۹۸۲ با رژیم صهیونیسم در زمان اشغال لبنان که تا بیروت پیش آمدند همکاری صمیمانه می‌کرد و حالا با گروه سعد حریری برای تمیق بحران در لبنان در پشت پرده همکاری می‌نماید. ولید جنبلاط هم که از شخصیت‌های راست دروزی است با آنها همدست است. سمیر جعجع این شخصیت مارونی لبنانی قاتل رشید کرامی (نخست وزیر اسبق لبنان در ژوئیه ۱۹۸۷) می‌باشد. این آقای قاتل و متحد عربستان سعودی به علل قتل‌های بی‌شمار دیگر در سال ۱۹۹۵ در لبنان به اعدام محکوم شد. اما سرانجام در سال ۲۰۰۵ بر اثر دخالت سازمان عفو بین‌المللی، فشار آمریکا و عربستان سعودی و فرانسه از زندان آزاد گردید و فعالیت سیاسی خود را از سر گرفت. حال این عنصر شناخته شده در نآرامیهای اخیر لبنان دست دارد و دستش در کیسه امارات متحده عربی است که هزینه‌های مالی حرکت اعتراضی را تامین می‌کند. اعتراضات ضد دولتی مردم که از هر طایفه- ایی به‌عنوان شهروند لبنانی به خیابان‌ها آمده- اند، علیرغم تلاشهای رخنه‌گرانه امپریالیستی علیه دولتمردانی است که به دلیل فساد مالی و اداری، اقتصاد این کشور را دچار بحرانی جدی کرده‌اند. مردم لبنان باید به عنوان ملتی واحد صرفنظر از تعلقات مذهبی و طایفگی در کشوری واحد بر اساس قانون اساسی واحد زندگی کنند. دین باید از حکومت جدا شود. در لبنان باید همه نیروهای خارجی را از کشورش بیرون کند و در حسن همجواری با همسایگانش زندگی نماید. برای تحقق این ... ادامه در صفحه ۶

**چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است**

**مبارزات مردم لبنان...**

هدف راهی وجود ندارد جز اینکه دستهای کشور اشغالگر صهیونیستی و فاشیستی اسرائیل را در منطقه قطع نموده و میراث استعمار را در لبنان خشک گرداند. یک جامعه متمدن نمی‌تواند بر اساس طایفه‌گری و دین شکل بگیرد. هم در عراق و هم در لبنان باید این رویای کهنه را از بین برد. دست امپریالیسم و صهیونیسم را نیز باید از منطقه کوتاه کرد تا بتوان در آن ممالک حداقل حکومت‌های دموکراتیک و ضد امپریالیست مستقر کرد. این سیاست تمام تلاشهای رخنه-گرانه امپریالیستی را که در پی اختراع اشکال جدید تثبیت سلطه خود هستند، نقش بر آب خواهد کرد.

\*\*\*\*

**خیزش‌های اکوادور و شیلی...**

نظامی اعلام کرد و نه کسی را گشت، دائم هدف حمله و انتقاد رسانه‌های غربی قرار می‌گیرد. جوانکی از هنگ کنگ را که هوادار بازگشت استعمار بریتانیا است در کنار جوانک و رشکسته دیگری از ونزوئلا که دست‌پخت آمریکا می‌باشد، در دنیا علم می‌کنند و آنها را مظاهر دموکراسی، آزادی و حقوق بشر جا می‌زنند، ولی همزمان در مورد بیان خواسته‌های صدها هزار پیر و جوان، زن و مرد در گواتمالا و شیلی که برای تحقق آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی و بر ضد نئولیبرالیسم به خیابان‌ها آمده‌اند تا می‌توانند صرفه‌جویی می‌کنند. این دو نوع برخورد انحصارات رسانه‌ای غرب از یکسو حاکی از اخلاق ریاکارانه دوگانه امپریالیستی است و از سوی دیگر بی‌ارزش و بی‌اهمیت بودن جان انسان‌هایی را به نمایش می‌گذارد که در اکوادور و شیلی به قتل رسیده‌اند. برای آنها پیش‌برد سیاست نئولیبرالی و پُر کردن جیب سرمایه‌داران در درجه اول اهمیت قرار دارد. لذا سرکوب مردم در شیلی و اکوادور معیوب بیان می‌شود. در عوض مرکز ثقل تبلیغات خود را بر روی هنگ کنگ و ونزوئلا و در روزهای اخیر عراق و لبنان می‌گذارند. در صورتی که ونزوئلا، که توانست در مقابل دسیسه‌های امپریالیسم مقاومت و از حق حاکمیت و تمامیت ارضی خود دفاع کند، با بیش از ۱۵۰ رأی در سازمان ملل در کمیسیون حقوق بشر انتخاب شد که مشت محکمی بر دهان باومگویان آمریکا و اروپا و متحدان جهانی آنها بود.

ناآرامی‌ها در شیلی در ظاهر به دلیل افزایش قیمت بلیط مترو و سایر وسایل نقلیه عمومی در شهر سانتیاگو "Santiago" بوده است. ولی افزایش قیمت سوخت، کاهش ارزش پول ملی، بالا بودن هزینه زندگی، کاهش قدرت خرید مردم را نیز باید بر آنها افزود. مردم شیلی خواهان تغییر نظام مالیاتی هستند. زیرا دولت این کشور در راستای اجرای سیاست-های نئولیبرالی از صاحبان ثروت کمتر و از

فروستان بیشتر مالیات اخذ می‌کند. علاوه بر این مردم خواهان تغییر قوانین کار و نظام تأمین اجتماعی‌اند. چنین به نظر می‌رسد که شیلی در سال ۲/۵٪ رشد اقتصادی خواهد داشت، اما علی‌رغم این شاخص‌های اجتماعی، نظیر آموزش، بهداشت، بازنشستگی و نیز قدرت خرید مردم حکایت از نابرابری‌های بالائی دارد. به دیگر سخن خصوصی‌سازی بخش مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و پرورش، افزایش هزینه خدمات اولیه، کاهش حقوق بازنشستگی و گرانی باعث به خیابان کشیده شدن مردم گشته است. به یک کلام فزونی فاصله میان فقر و ثروت، که زائیده نئولیبرالیسم است، «جزیره ثبات» شیلی را به ناآرامی و خشونت کشیده است. بیش از ۱۰۳ مورد مردم به صورت توده‌ای در اعتراضات اخیر شیلی شرکت داشتند که این خود حکایت از فراگیر بودن مبارزه و ریشه‌ای بودن علل بروز آن دارد. پاسخ این اعتراضات باز هم گاز اشک‌آور، ماشین آب پاش و حمله وحشیانه پلیس به تظاهرکنندگان از جانب میراث‌خواران ژنرال پینوشه بود. همزمان با اعلام حکومت نظامی در پایتخت شیلی سباستیان پینرا «Sebastián Piñera»، رئیس جمهور شیلی در یک برنامه زنده تلویزیونی شرکت کرد و با اعلام «وضعیت جنگی» اعلام داشت که «نبرد شیلی نبرد میان چپ و راست نیست، بلکه دولت در برابر افرادی که احترامی برای دموکراسی و میهن قایل نیستند، در حال جنگ است!» اما شدت فشار و وسعت شرکت مردم در اعتراضات «Sebastián Piñera»، رئیس جمهور میلیاردر شیلی را به وحشت انداخت و روز ۲۲ اکتبر اعلام کرد که حکم افزایش کرایه‌ها را لغو خواهد کرد! و همانند شاهنشاه آریامهر فرمودند «فروتاناه صدای هموطنانم را شنیدم...!» جالب اینجاست که تظاهرکنندگان هدفمندانه یکی از ۶۰ فروشگاه بزرگ آمریکائی «Walmart» را غارت کردند.

زمانی که امپریالیسم آمریکا در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ دولت ملی و دموکراتیک آئنده را سرنگون و دیکتاتوری آگوستو پینوشه جلا داد بر این کشور بر مسند قدرت نشاند، مدتی بعد در اکتبر ۱۹۷۵ نیورک تایمز نوشت: «سیاست اقتصادی نظامیان شیلی مبتنی بر آرای میلتون فریدمن بود» دانش‌آموختگان «مکتب شیکاگو» و میلتون فریدمن برای اولین بار مأمور به اجرا درآوردن سیاست‌های نئولیبرالی در این کشور شدند. زمانی که برای هموارکردن این مسیر با کشتار و شکنجه مردم، سال‌ها وحشت و ترس را بر این کشور حاکم گردانیدند، شاید به خاطر مبارکشان خطور هم نمی‌کرد که روزی در اثر گسترش دره فقری که نئولیبرالیسم برای مردم شیلی با «تنوری شوک» بوجود خواهد آورد، مردم سر به شورش برآوردند. مردم جهان خوب به خاطر دارند که میلتون فریدمن در سال ۸۲ شیلی را

**تجاوزگران استعمارگر، باید خاک فلسطین، عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند.**

دولت‌ها «کشورهای در حال توسعه» به دامی برای آنها تبدیل شده است و آنها را عملاً به کارگزاران کشورهای وام‌دهنده مبدل ساخته است. این بدهی‌ها روزبه‌روز این کشورها را بیشتر به کشورهای وام‌دهنده وابسته می‌سازد که مصداق بارز عملکرد «استعمار نوین» است. تراز منفی تجاری تورم ۲ درصدی، کاهش ارزش پول ملی، بدهی ۶۴٪ از تولید ناخالص ملی به بانک‌ها، بهره ۴۰ درصدی وام و .... اقتصاد آرژانتین را به لب پرتگاه ورشکستگی مجدد کشانده است. این در حالی است که این کشور از منابع طبیعی غنی، جمعیت با سواد با درصد بالا، کشاورزی صادرات‌محور و پایه صنعتی نسبتاً متنوع برخوردار است، اما هم اکنون یک سوم جمعیت ۴۴ میلیونی این کشور زیر خط فقر به سر می‌برند. جهان در آینده‌ای نه چندان دور شاهد خیزش و نبرد مردم آرژانتین نیز خواهد بود. در انتخابات اخیر حکومت دست‌راستی به‌شدت شکست خورد و جناح چپ مخالفان سیاست نئولیبرالیسم به پیروزی چشم‌گیری دست یافتند. \*\*\*

به توفان در تلگرام خوش آمدید



از کمک‌های مالی یاران سیاسی‌سگزاریم

خوانندگان عزیز نشریه توفان! حزب کار ایران (توفان)، تنها با اتکاء به نیروی خود مبارزه می‌کند و اخاذی از بیگانگان را ننگ می‌داند. برای تداوم موثر مبارزه ما به ما هر چند جزئی یاری رسانید.  
۵۷۰ یورو از آلمان  
۲۵۰ یورو از هامبورگ  
۱۰۰ یورو از کانادا  
۱۰۰ یورو از مونترال  
۵ یورو از آلمان  
۵ یورو از آلمان



مجدد از صندوق مذکور انتقاد می‌کنند. علاوه بر این مردم مخالف حذف مقررات کنترل سرمایه و نیز قطع برنامه‌های اجتماعی دولت هستند و در عین حال مردم به خاطر قول ریاضت اقتصادی بیشتری که دولت به خاطر اخذ وام جدید به (IWF) داده است، شدیداً با او مخالف‌اند. شواهد حاکی از آنند که به خاطر اعمال سیاست‌های نئولیبرالی خطر جدی اقتصاد این کشور را همانند سال ۲۰۰۱ تهدید می‌کند. قریب به ۴ سال است که دولت «Mauricio Macri»، در قدرت است. طی این مدت اقتصاد این کشور روز به روز وخیمتر گشته است. یکی از دلایل را می‌توان وام ۵۷ میلیارد دلاری ذکر کرد که دولت این کشور سال گذشته از «صندوق بین‌المللی پول» دریافت کرده است. زیرا این دولت در ازای دریافت این وام شرایط (IWF) مبنی بر اجرای ریاضت اقتصادی بیشتر را پذیرفته است. شرایطی که اثرات بس زیان‌بار بر زندگی اجتماعی و معیشتی مردم گذارده است. به طور کلی وام‌های میلیاردی خارجی نه تنها برای توسعه ضروری نیستند، بلکه خود به مثابه سدّی در مقابل توسعه عمل می‌کنند. کشورهای غربی با ارائه وام به «کشورهای در حال توسعه» با شرایطی که به آنها تحمیل می‌کنند، عملاً به مثابه ترمزی در راه «توسعه» به شمار می‌آیند. بدهی‌های عظیم

خیزش‌های اکوادور و شیلی...

رسیدن عناصر فاشیستی چون «Viktor Orbán» در مجارستان و ترامپ در آمریکا... و «هوک» ها در آلمان از دست‌آوردهای نئولیبرالیسم است. هدف نئولیبرالیسم در درجه اول جابجایی قدرت است. از نظر نئولیبرال‌ها محدود ساختن رقابت «دشمنی با آزادی» به شمار می‌آید. تلاش برای ایجاد و گسترش رفاه و افزایش دستمزد انحراف اخلاقی محسوب می‌گردد! نئولیبرال‌ها از بحران برای اعمال شک و سپس تحمیل برنامه نئولیبرالی خود بهره می‌جویند. چه در شیلی، چه در عراق و حتی در داخل خاک آمریکا وقتی توفان عظیم «کاترینا» ویرانی بوجود آورد، فریدمن از خوشحالی سر از پا نمی‌شناخت. چون معتقد بود که زمان انجام رفرم‌ها فرا رسیده است.

بی‌جهت نبود که «هایک» Friedrich August von Hayek، پدر معنوی نئولیبرالیسم هنگام بازدید از شیلی پینوشه علناً و آشکارا گفت: «ترجیح شخصی من یک دیکتاتوری لیبرال است تا حکومت دموکراتیک عاری از لیبرالیسم»!! «معجزه شیلی» عصاره همین جمله «هایک» است. حاکی از آن است که هر ملتی اراده کند که مقابل ابر شرکت‌ها مقاومت کند، با کودتا، تحریم و اگر هیچ‌کدام کار ساز نماندند، با تجاوز نظامی منافع کنسرن‌ها، بانک‌ها را در این کشورها تضمین می‌کنند.

آرژانتین

نمونه فاجعه بار دیگر آرژانتین است که در اثر اعمال سیاست‌های نئولیبرالی برای دومین بار در معرض ورشکستگی قرار گرفته است. پول ملی این کشور در مقابل دلار ۴۰٪ کاهش یافته است. دولت این کشور از بانک جهانی تقاضای ۵۰ میلیارد دلار وام کرده است. سرمایه‌گذاران از ترس اینکه مبدا آرژانتین از پس بازپرداخت بدهی‌های خود برنیاید، مشغول خارج کردن پول از کشور هستند. از آنجا که همین بانک جهانی و «صندوق بین‌المللی پول (IWF)» در سال ۲۰۰۱ باعث ورشکسته شدن اقتصاد این کشور شدند، مردم بخصوص به (IWF) خوشبین نبودند و شدیداً از مانور بیسیوماکری «Mauricio Macri»، رئیس جمهور این کشور به خاطر تقاضای وام

مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۶۱ آذر ماه ۱۳۹۸ را در تارنمای توفان مطالعه نمایند

توفان الکترونیکی در آغاز هر ماه میلادی منتشر می‌شود

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

نشریات حزب کار ایران (توفان)

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

<http://toufan.org/ketabkane.htm>  
[http://toufan.org/nashrie\\_tofan%20archive.htm](http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm)

<https://twitter.com/toufanhezbekar>

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>  
<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان  
سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توئیتر

توفان در فیسبوک  
توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

فساد، رشوه‌خواری و سرکوب، تنها به نفع امپریالیسم و صهیونیسم تمام می‌شود

## خیزش‌های اکوادور و شیلی، نتیجه مستقیم اعمال سیاست‌های نئولیبرالی

### اکوادور

در هفته‌های گذشته خیزش‌های عظیم مردمی، ابتدا در اکوادور و سپس در شیلی خیابان‌های این دو کشور را به لرزه درآورد. در اثر حمله وحشیانه پلیس این دو کشور به تظاهرکنندگان و ضرب و شتم آنان ده‌ها نفر کشته و صدها نفر دستگیر و یا تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند. مردم به مراکز دولتی حمله‌ور شدند و پلیس با گاز اشک‌آور، ماشین آب‌پاش و با باتوم و اسلحه گرم به جان آنها افتاد. تنها در اکوادور ۵ نفر کشته و ۷۰۰ نفر دستگیر شدند. رانندگان تاکسی و کامیون در اعتراض به گرانی سوخت، راه‌های اصلی به کیوتو "Quito" را مسدود کردند و حمل و نقل به پایتخت و شهر گویانویل "Guayaquil" را فلج کردند. فعالان کارگری در حوزه حمل و نقل و اتوبوسرانی نیز به همین دلیل دست به اعتصاب زدند و وضعیت حمل و نقل بار و مسافر را مختل کردند. در پس اعتصابات در بخش‌های تولیدی و حمل و نقل، تولید نفت این کشور ۸۷۷ هزار بشکه در روز کاهش یافت. رئیس‌جمهور اکوادور لنین مورنو-Lenín Moreno- در کشور «وضعیت اضطراری» اعلام کرد، تا حمله به معترضین را توجیه نماید.

علت تظاهرات، اعتصابات و ناآرامی‌ها در اکوادور را باید به طور عمده در اعمال سیاست‌های نئولیبرالی دیکته‌شده توسط «صندوق بین‌المللی پول» جستجو کرد. بخشی از تعهداتی که دولت این کشور در برابر اخذ وام ۴ میلیارد و ۲۰۰ هزار دلاری، که از «صندوق بین‌المللی پول» گرفته است، کاهش یارانه‌های سوخت است. حذف یارانه‌ها عملاً بهای بنزین و گازوئیل را دو برابر کرده است. اصلاحات مالیاتی اخیر دولت، که بخش دیگر از سیاست‌های دیکته‌شده ریاضت اقتصادی توسط «صندوق بین‌المللی پول» به شمار می‌آید، قرار است ۲۷/۲ میلیارد دلار به صندوق دولت سرازیر شود. حذف یارانه سوخت و افزایش اخذ مالیات از مردم عملاً باعث کاهش درآمد و در نتیجه کاهش قدرت خرید مردم گشته و آنها را به درون خیابان کشانیده است.

### شیلی

حداقل در ۱۰ شهر شیلی حکومت نظامی برقرار شده است. بیش از ۱۰ هزار نیروی نظامی در خیابان‌های این کشور حضور دارند. ناآرامی‌های این کشور تاکنون ۱۵ کشته و ۱۵۰۰ بازداشتی به دنبال داشته است. جالب اینجاست که رسانه‌ها و وسائل ارتباط جمعی غرب با اشاره‌های کوتاه به وقایع اکوادور و شیلی عملاً در این رابطه سکوت اختیار کرده‌اند، در صورتی که در ناآرامی‌های ونزوئلا، - که به طور عمده در اثر توطئه کودتا بوجود آمده بود - که نه حکومت نظامی اعلام شد و نه کسی کشته شد، هر ساعت اخبار دروغ و تصاویر جعلی در شبکه مجازی پخش می‌کردند. آنها می‌خواستند با انجام کودتا، ونزوئلا نیز سیاست «صندوق بین‌المللی پول» و «بانک جهانی» را پیاده کند، که در این امر موفق نشدند. دیپلماسی رسمی اروپا که رسماً با دخالت آشکار و همدستی با بزه‌کاران به یاری کودتاگران پرداخته بود بشدت بی‌آبرو شد که امروز صدایش را هم در نمی‌آورند و این خود نشانه بزدلی و بی‌شرمی دولتمردان نظام فاسد سرمایه‌داری است.

در هنگ کنگ که تظاهرات غیرقانونی و قهرآمیز صورت می‌گیرد و افراد آزموده و تعلیم دیده با ماسک و تجهیزات ضد پلیس و با پرچم آمریکا و انگلیس به میدان می‌آیند و به پلیس حمله می‌کنند و نمایشات ضدمیهنی، ضدامنیتی، خشونت‌آمیز و تحریبی انجام می‌دهند، گرچه پلیس هنگ کنگ در مقابله با این تظاهرات نه حکومت ... ادامه در صفحه ۶

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

تارنمای توفان در شبکه مجازی

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صديق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی  
Postbank Hamburg  
BLZ: 20110022  
KontoNr.: 2573372600  
Germany  
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

Toufan آدرس مکاتبات  
Postfach 11 38  
64526 Mörfelden-Walldorf  
Germany

دست امپریالیسم و متحدانش از ایران کوتاه باد